

فقر در ایران

سعید مدنی* - بخش چهارم

در سه قسمت پیشین این مقاله وضعیت فقر و نابرابری بر پایه شاخص‌های مربوطه تا پایان برنامه دوم توسعه مورد بحث قرار داده شد. بخش پایانی این مقاله به بررسی وضعیت در برنامه سوم توسعه اختصاص دارد.

فقر و نابرابری در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

۱- سیاست‌های اقتصادی

دولت اصلاح طلب شانس آن را داشت تا با در اختیار داشتن قوه مجریه و نظام برنامه‌ریزی در سال پایانی برنامه دوم، خود مقدمات تدوین برنامه سوم توسعه و اجرای آن را عهده‌دار شود. در سال پایانی برنامه سوم توسعه (۱۳۷۸) نرخ رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۱/۶ درصد و نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کل برابر ۵/۸ درصد بود که در مقایسه با کل دوره برنامه دوم کارنامه چشمگیری نبود زیرا میانگین نرخ رشد تولید، ناخالص داخلی در برنامه دوم معادل ۳/۲ درصد و نرخ تشکیل سرمایه برابر ۸ درصد بود. (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۳)

اگرچه مسئولیت تدوین برنامه سوم توسعه رسماً بر عهده دولت اصلاح طلب بود، اما از آنجا که اصلاح‌طلبان برنامه یارویکرد مشخص اقتصادی نداشتند به سرعت تحت تأثیر اقتصاددانان تدوین‌کننده دو برنامه اول و دوم قرار گرفتند و با برخی تعدیلات رویکرد یادشده و البته برخی نوآوری‌ها مثل تشکیل حساب ذخیره ارزی، اصلاح نظام ارزی کشور و قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، برنامه سوم توسعه را تدوین کردند. به گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۳) برخی شاخص‌های کلان اقتصادی در برنامه سوم توسعه عبارت بودند از:

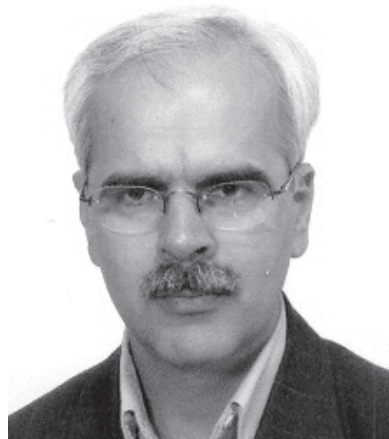
— رشد اقتصادی در چهار سال اول برنامه سوم به طور متوسط ۵/۵ درصد بود.

— نرخ رشد اقتصادی از نرخ رشد جمعیت پیشی گرفت و موجب افزایش درآمد سرانه و در نتیجه رفاه اقتصادی شد.

— طی چهار سال اول برنامه (۸۲-۱۳۷۹) متوسط نرخ تورم در اقتصاد کشور معادل ۱۳/۸ درصد بود که در مقایسه با تورم ۲۵/۱ درصدی برنامه دوم توسعه موفقیت قابل ملاحظه‌ای به حساب می‌آید.

— ذخایر ارزی کشور به بیش از ۱۷ میلیارد دلار رسید.

با وجود نکات یادشده، نمی‌توان تأثیرات برنامه سوم بر وضعیت فقر و نابرابری را بر پایه موارد فوق ارزیابی کرد؛ از جمله در گزارش وزارت امور



اقتصادی و دارایی به مواردی اشاره شده که تصویر روشن‌تری از وضعیت اقتصادی در برنامه سوم به دست می‌دهد که اهم آن عبارت‌اند از:

— افزایش سقف بودجه ارزی کشور نسبت به ارقام پیش‌بینی شده در ماده ۶ قانون برنامه سوم توسعه توأم با برداشت‌های مکرر از حساب ذخیره ارزی با عناوین مختلف عملاً موجب تشدید وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی طی سال‌های برنامه سوم توسعه گردید.

— رشد بی‌رویه واردات طی برنامه سوم که به مراتب فراتر از درآمدهای ارزی کشور ارزیابی می‌شد، عملاً منجر به افزایش دامنه کسری تراز تجاری کالایی بدون نفت از ۱۰/۵- میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به حدود ۲۰- میلیارد دلار ۱۳۸۱ گردید.

جدول شماره ۱، متوسط صادرات نفتی، واردات و صادرات غیر نفتی در فاصله دوره‌های زمانی پس از پیروزی انقلاب نشان می‌دهد.

جدول ۱- میزان واردات و صادرات نفتی و غیر نفتی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب (میلیارد دلار)

	۷۹-۸۲	۷۴-۷۸	۷۳	۶۸-۷۲	۵۸-۶۷
صادرات نفتی	۲۲/۶	۱۵/۴	۱۴/۶	۱۵/۵	۱۴/۶
واردات	۲۰/۱	۱۳/۷	۱۱/۸	۲۲/۲	۱۱/۷
صادرات غیر نفتی	۴/۵	۳/۱	۴/۸	۲/۳	۰/۶

— سیاست‌های انبساطی اعتباری طی برنامه سوم توسعه توأم با اعطای آزادی عمل بیشتر به بانک‌ها برای اعطای اعتبارات، در عمل موجب تخصیص بخش عمده‌ای از رشد اعتباری در بخش بازرگانی داخلی و خدمات گردید، که به دلیل ساختار غیر مولد این بخش فاقد آثار تولیدی بود و بیشتر معطوف به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شد. به علاوه این روند با اهداف توسعه‌ای مطابقت نداشت و ضمناً به فساد بیشتر ساختار بوروکراتیک دولتی نیز منجر شد.

— با وجود تسهیلات و ویژه‌های ارتقای صادرات غیر نفتی، روند این دسته از صادرات بسیار کند بود.

بعد ریاست جمهوری به روشنی قابل ملاحظه بود.
جدول شماره ۲- شاخص ضریب جینی در برنامه سوم توسعه به تفکیک مناطق شهری و روستایی

سال	کل کشور	شهری	روستایی
۱۳۷۹	۰/۴۳۰	۰/۴۰۴	۰/۴۲۷
۱۳۸۰	۰/۴۲۵	۰/۴۱۱	۰/۴۱۵
۱۳۸۱	۰/۴۲۰	۰/۴۰۲	۰/۴۱۳
۱۳۸۲	۰/۴۱	۰/۳۸۶	۰/۳۹۳
۱۳۸۳	۰/۴۲۳	۰/۳۹۸	۰/۴۱۵
میانگین برنامه سوم	۰/۴۲۲	۰/۳۹۹	۰/۴۱۳
میانگین برنامه دوم	۰/۴۲۶	۰/۳۹۷	۰/۴۲۹
میانگین برنامه اول	۰/۴۴۳	۰/۴۲۰	۰/۴۳۷

مأخذ: آمار بودجه خانوار، مرکز آمار ایران
مقایسه ضریب جینی در ایران و سایر کشورها تا حدی توضیح دهنده وضعیت نابرابری در کشورمان

می باشد. به عنوان مثال در دهه ۱۹۹۰ ضریب جینی در چین برابر ۰/۳۵ در اتیوپی ۰/۴۴ در نیجریه ۰/۳۹ و در پرو ۰/۴۴ گزارش شده است.

۲-۲- خط فقر

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران میزان خط فقر بر پایه حداقل درآمد ماهیانه برای دریافت ۲۳۰۰ کیلوکالری در روز در مناطق شهری از ۱۶۱ هزار و ۹۲۸ ریال در سال ۱۳۷۹ به ۳۰۲ هزار و ۳۰۷ ریال در سال ۱۳۸۲ رسیده است. همین شاخص در مناطق روستایی از ۸۹ هزار و ۳۸۳ ریال در سال مبداء به ۱۵۷ هزار و ۴۸۱ ریال در سال ۱۳۸۲ رسیده است. (جدول شماره ۳) بر این اساس خانواده شهری ۵ نفری که در سال ۱۳۸۲ درآمد ماهیانه کمتر از ۱۵۰ هزار تومان داشته در زیر خط فقر مطلق بوده است. همین شاخص برای خانوار ۵ نفری روستایی درآمد کمتر از ۷۸ هزار تومان در ماه برآورد شده است.

بر اساس محاسبات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۲ به این ترتیب ۱۲ درصد از خانوارهای مناطق شهری و ۱۰ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر مطلق قرار داشته اند. (شرق، ۸۳/۹/۲۳)

جدول ۳- برآورد درصد خانوارهای زیر خط فقر بر اساس ۲۳۰۰ کالری (درصد)

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
شهری	۱۱	۱۱	۱۲
روستایی	۱۱/۵	۱۰	۱۰

بررسی نسبت جمعیت زیر خط فقر بر اساس حداقل درآمد برای دریافت ۲۳۰۰ کالری در روز در فاصله سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ نشان می دهد سهم جمعیت زیر خط فقر در دوره زمانی یادشده در شهرها یک درصد

اگرچه میانگین نرخ تورم در برنامه سوم توسعه (۱۳/۸ درصد) بسیار کمتر از برنامه دوم (۲۵/۱ درصد) بود، اما روند تورم در برنامه به سرعت روبه افزایش گذاشت و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری از ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۱۷/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ رسید. موج جمعیتی افزایش نسبت جمعیت ده ساله و بیشتر به کل جمعیت در طول سال های برنامه سوم ادامه یافت و از ۸۰/۴ درصد کل جمعیت در سال ۱۳۷۹ به ۸۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۱ رسید. این پدیده در کنار ناتوانی دولت در بهبود وضعیت بازار کار موجب شد تا نرخ بیکاری از ۱۶/۳ درصد در سال ۱۳۷۸ به ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۰ رسید، این روند در طول برنامه سوم ادامه یافت. به طوری که در سال ۱۳۸۱ تعداد جمعیت بیکار به سه میلیون و سیصد هزار نفر رسید. به این ترتیب بیکاری در رأس معضلات اقتصادی کشور قرار گرفت که آثار مستقیمی بر وضعیت فقر و نابرابری داشت. به گزارش بانک مرکزی نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۲ به ۲۰/۳ درصد رسید.

طی سال های برنامه سوم توسعه تزریق ارز نفتی به اقتصاد منجر به رشد متوسط نقدینگی ۲۹/۴ درصد شد، که در مقایسه با برنامه دوم توسعه ۵ درصد افزایش داشت. این امر به کاهش قدرت خرید مردم و تورم فزاینده انجامید.

با این توصیف از وضعیت شاخص های کلان اقتصادی در برنامه سوم توسعه به بررسی شاخص های فقر و نابرابری در طول سال های اجرای این برنامه (۸۳-۱۳۷۹) می پردازیم.

۲- شاخص های فقر و نابرابری (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

۲-۱- ضریب جینی:

جدول شماره ۲، میزان شاخص ضریب جینی را در برنامه سوم توسعه به تفکیک مناطق شهری و روستایی نشان می دهد. همچنان که ملاحظه می شود میزان این شاخص در کل کشور در فاصله سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ (سال پایان برنامه) از ۰/۴۳ به ۰/۴۲ رسیده است. خاطر نشان می سازد کاهش ضریب جینی به منزله بهتر شدن وضعیت توزیع درآمد در کشور است، اما میزان تغییرات در برنامه سوم بسیار نازل و محدود است که نشان دهنده مقاومت ساختارهای موجود در برابر هرگونه اصلاح و یا بهبود شکاف طبقاتی است. مقایسه میانگین ضریب جینی در سه برنامه اول، دوم و سوم توسعه نیز نظر بالا را تأیید می کند. وضعیت ضریب جینی به تفکیک شهر و روستا نیز کمابیش از ثبات نسبی نابرابری حکایت می کند، اگرچه در شهرها در طول سال های برنامه سوم تغییرات این ضریب روند کاهش از ۰/۴۰۴ (۱۳۷۹) به ۰/۳۹۸ (۱۳۸۳) و در روستاها از ۰/۴۲۷ (۱۳۷۹) به ۰/۴۱۵ (۱۳۸۳) را نشان می دهد، اما همچنان که قبلاً نیز گفته شد تغییرات یادشده چندان قابل توجه نبوده و با توجه به خطاهای احتمالی در سنجش ضریب جینی نمی توان به اتکای این میزان از تغییرات جمع بندی روشنی از وضعیت نابرابری ارائه داد. با وجود این توجه به این نکته که در سال پایانی برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳) - که در واقع سال پایانی فعالیت دولت اصلاح طلب نیز بوده - ضریب جینی نسبت به سال های پیش از آن افزایش یافته است، تا حدی توضیح دهنده زمینه برخی نارضایتی ها در این سال است که آثار آن در انتخابات دوره

افزایش و در روستاها حدود ۱/۵ درصد کاهش داشته است. جدول شماره ۴ نسبت جمعیت زیر خط فقر را در سال‌های یاد شده نشان می‌دهد.

مقایسه درصد خانوارهای زیر خط فقر مطلق توسط مرکز آمار ایران در سال‌های پایانی برنامه دوم توسعه (۱۳۷۷) و سال‌های پایانی برنامه سوم توسعه (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های یاد شده نسبت جمعیت زیر جمعیت زیر خط فقر مطلق در شهرها تغییر قابل توجهی نداشته، اما در روستاها کاهش قابل توجهی داشته و از ۱۵/۲ درصد جمعیت در سال ۱۳۷۷ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است. البته شواهد دیگر این یافته‌های مرکز آمار ایران را مورد تأیید قرار نمی‌دهد که به آنها اشاره خواهیم داشت.

در مطالعه به منظور ارائه تصویری از وضعیت فقر بر پایه معیار ارائه شده از سوی دکتر رئیس دانا (۱۳۷۹) که در آن سرانه ماهیانه هر فرد در سال ۱۳۷۹، ۳۹۴ هزار ریال در نظر گرفته شده است، در سال ۱۳۸۲ خط فقر ماهانه برای هر فرد ۵۸۷/۶۷۰ ریال محاسبه گردیده که به این ترتیب در سال ۱۳۷۹ حدود ۵۶/۷ درصد و در سال ۱۳۸۲ حدود ۴۸/۳ درصد از جمعیت زیر خط فقر قرار گرفته اند که مبین کاهش فقر در دوره یاد شده است.

جدول ۴- برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه نیاز

به ۲۳۰۰ کالری در روز

سال	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲
شهری	۱۶۱۹۲۸	۱۸۰۳۷۱	۲۳۰۴۳۵	۳۰۲۳۰۷
روستایی	۸۹۳۸۳	۱۰۰۵۲۰	۱۲۵۵۰۳	۱۵۷۴۸۱

برآوردهای راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۵) بر پایه سه شاخص فقر در سال‌های برنامه سوم توسعه حکایت از کاهش فقر در دوره یاد شده دارد. در مطالعه مورد بحث شاخص فقر مطلق بر پایه تأمین انرژی مورد نیاز هر نفر به میزان ۲۰۰۰ کیلوکالری در روز در مناطق شهری از ۰/۳۰۷ در سال ۱۳۷۹ به ۰/۲۹۴ در سال ۱۳۸۳ رسیده است. همچنین شاخص فقر بر پایه تأمین حداقل نیازهای اساسی غیر خوراکی از ۹۷٪ به ۸۴٪ و شاخص فقر بر پایه تأمین حداقل نیازهای خوراکی و غیر خوراکی از ۰/۴۳ به ۰/۳۵ در طول سال‌های برنامه سوم رسیده است که همه یافته‌ها دلالت بر کاهش نسبی شاخص فقر در مناطق شهری در دوره زمانی مورد بحث دارد. (جدول شماره ۵)

جدول ۵- شاخص‌های فقر در مناطق شهری ۸۳-۱۳۷۹

سال	P_0	P_1	P_r
۱۳۷۹	۰/۳۰۷	۰/۰۹۷	۰/۰۴۳
۱۳۸۰	۰/۱۹۲	۰/۰۵۲	۰/۰۲۱
۱۳۸۱	۰/۲۵۱	۰/۰۷۳	۰/۰۳۱
۱۳۸۲	۰/۲۸۳	۰/۰۸۲	۰/۰۳۴
۱۳۸۳	۰/۲۹۴	۰/۰۸۴	۰/۰۳۵

p. شاخص فقر مطلق بر پایه تأمین انرژی مورد نیاز هر نفر به میزان ۲۰۰۰ کیلوکالری در روز

P1. شاخص فقر بر پایه تأمین حداقل نیازهای اساسی غیر خوراکی

P2. شاخص فقر بر پایه تأمین حداقل نیازهای خوراکی و غیر خوراکی

اما همچنان که بیش از این نیز توضیح داده شد در تعیین جمعیت زیر خط فقر، نکته مهم تعریف این خط می‌باشد. زیرا هر چه شاخص خط فقر بالاتر محاسبه شود، جمعیت بیشتری به زیر آن فرو خواهند رفت. برای نمونه خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه دو معیار ۵۰ درصد میانگین و ۵۰ درصد میانه هزینه خانوار در طول سال‌های برنامه سوم در جدول ۶ و ۷ ارائه شده است که بر اساس آنها نتایج متفاوتی از وضعیت فقر و نابرابری به دست می‌آید.

جدول ۶- برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه ۵۰ درصد

میانگین طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۹

سال	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲
شهری	۲۳۴۱۹۹	۲۸۲۵۰۴	۳۴۰۸۰۴	۴۵۳۸۲۷
روستایی	۱۳۰۴۴۷	۱۴۸۹۵۷	۱۸۹۶۱۱	۲۴۶۷۰۷

جدول ۷- برآورد خط فقر مناطق شهری و روستایی بر پایه ۵۰ درصد

میانه طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۹

سال	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲
شهری	۱۷۰۴۶۷	۲۰۴۴۵۴	۲۵۵۲۲۸	۳۲۷۵۵۵
روستایی	۹۸۳۴۴	۱۱۲۸۲۳	۱۴۴۷۲۱	۱۹۰۱۷۶

همچنان که در جداول ۳، ۶ و ۷ ملاحظه می‌شود در سال پایانی (۱۳۸۲) در حالی که در مناطق شهری سرانه خط فقر مطلق ماهیانه برابر ۳۰۲۳۰۷ ریال محاسبه شده، اما همین شاخص بر پایه نصف میانگین و نصف میانه معادل ۴۵۳۸۲۷ و ۳۲۷۵۵۵ ریال تخمین زده شده است که به این ترتیب بر اساس دو شاخص آخر خانوارهای بیشتری زیر خط فقر قرار خواهند گرفت. اگر باز هم معیار خط فقر نسبی را افزایش داده و بر پایه درصد خانوارهای زیر متوسط کشور اندازه‌گیری کنیم در آن صورت در حالی که در سال آغاز برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) حدود ۶۲ درصد خانوارهای شهری از لحاظ هزینه‌های خوراکی و ۷۴ درصد از نظر هزینه‌های غیرخوراکی کمتر از متوسط مصرف کرده‌اند، در سال ۱۳۸۳ نیز وضعیت کمابیش مشابهی وجود داشته و به ترتیب ۶۱ درصد و ۷۴ درصد خانوارهای شهری هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی کمتر از متوسط داشته‌اند. دکتر رئیس دانا (۱۳۸۵) با اشاره به محاسبات خود از خط فقر نسبی در سال ۱۳۷۸ که معادل ۲/۱۸ میلیون ریال برای خانوار شهری ۵ نفری در ماه حساب شده، به خط‌های قابل توجهی در آمار منتشر شده درباره خط فقر اشاره می‌کند و می‌نویسد:

خط فقر نسبی از حیث هزینه‌های خانوار شهری پنج نفری که

روستایی را از هزینه کل در سال های برنامه سوم نشان می دهد.
جدول ۸ - مقایسه سهم های درآمدی خانوارهای شهری و روستایی از هزینه کل در برنامه سوم توسعه

سال		۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۸۳
شهری	سهم ۴۰٪ فقیرترین	۱۳/۰۹	۱۳/۰۳	۱۲/۹۶	۱۲/۱	
	سهم ۴۰٪ متوسط	۳۵/۸۹	۳۵/۸۵	۳۵/۷۵	۳۶/۱۹	
	سهم ۲۰ درصد پردرآمد	۵۱/۰۲	۵۱/۱۲	۵۱/۲۹	۵۱/۲۰	
روستایی	سهم ۴۰٪ فقیرترین	۱۳/۱۴	۱۳/۴۲	۱۳/۱۲	۱۳/۱۱	
	سهم ۴۰٪ متوسط	۳۷/۸۰	۳۸/۵۴	۳۷/۹۳	۳۸/۰۳	
	سهم ۲۰ درصد پردرآمد	۴۹/۰۶	۴۸/۰۴	۴۸/۹۵	۴۸/۸۵	

مأخذ: نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی

همچنان که ملاحظه می شود در فاصله سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ سهم ۴۰ درصد فقیرترین جامعه شهری از هزینه کل از ۱۳/۰۹ درصد به ۱۲/۱ درصد رسیده است، در همین دوره سهم ۲۰ درصد پردرآمدتر جامعه نیز از ۵۱/۰۲ درصد به ۵۱/۲۰ درصد رسیده است. بر همین اساس سهم ۴۰ درصد متوسط جامعه یعنی دهک های ۵ تا ۸ با کمی افزایش از ۳۵/۸۹ درصد به ۳۶/۱۹ درصد رسیده است. به این ترتیب توزیع درآمد در مناطق شهری در سال های برنامه سوم تا از ثبات نسبی و عدم تعادل یا نابرابری جدی برخوردار بوده است. در روستاها نیز وضع در چهار سال اول برنامه تفاوت قابل ملاحظه ای با شهرها نداشته و سهم ۴۰ درصد فقیرتر جامعه روستایی از هزینه کل از ۱۳/۱۴ درصد به ۱۳/۱۱ درصد و سهم ۲۰ درصد ثروتمند از ۴۹/۰۶ درصد به ۴۸/۸۵ درصد رسیده است.

پیشتر نیز متذکر شدیم که شواهد جدی مبنی بر افزایش سهم فقر پایدار در ایران در مقایسه با سهم فقر ناپایدار وجود دارد. در واقع ارقام فوق الذکر نشان می دهد جابجایی و یا تغییر دولت ها و به تناسب آن تغییر در سیاست ها و برنامه های اقتصادی نتوانسته تغییر قابل ملاحظه ای در ساختار فقر ایجاد کند. این پدیده تا حدود زیادی متأثر از نقص در برنامه ها و یا موانع ساختاری (اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در تحرک اجتماعی (Social mobilization) طبقات کم درآمد جامعه است. برای نمونه ۷۲ درصد سرپرست خانوارهای دهک اول (ده درصد فقیرترین) بی سواد هستند، در حالی که در دهک دهم (ده درصد ثروتمندترین) این شاخص معادل ۱۷/۶ درصد می باشد، همچنین تنها ۶ درصد از افراد سرپرست خانوار در دهک اول تحصیلات دیپلم و بالاتر دارند، در حالی که در دهک دهم این شاخص حدود ۴۶ درصد می باشد.

علاوه بر شاخص های فوق الذکر، نسبت هزینه های دهک دهم (ده درصد ثروتمندترین) به دهک اول (ده درصد فقیرترین) نیز تا حدودی وضعیت فقر و نابرابری را توضیح می دهد. جدول شماره ۹ نسبت دهک دهم هزینه ای به دهک اول را در

برای سال ۱۳۷۸ معادل ۲/۱۸ میلیون ریال در ماه حساب شده بود. (رئیس دانا، فریرز،) برای خانوار ۴/۴ نفری (میانگین افراد خانوار در آمارگیری ها در فاصله سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳) به ۱/۹۲ میلیون ریال در ماه و ۲۳/۰۴ میلیون ریال در سال کاهش می یابد. اگر این رقم را برای تعدیل تورمی در ضریب ۱/۹۴ ضرب کنیم. (نگاه کنید به افزایش شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در این فاصله، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) به رقم سال ۱۳۸۲ برای خانوار ۴/۴ نفری می رسیم که عبارت است از ۳/۷۴ میلیون ریال در ماه و ۴۴/۷ میلیون ریال در سال. به این ترتیب با مقایسه این هزینه با هزینه دهک ها در خانوارهای شهری به این نتیجه می رسیم که در سال ۱۳۷۸ معادل ۷۵ درصد و در سال ۱۳۸۳ تقریباً معادل ۶۲/۵ درصد از خانوارها زیر خط فقر نسبی قرار می گیرند و این در حالی است که در سال ۱۳۸۲ رقم معادل ۷۱/۵ درصد بود، البته کاهش ناگهانی فقط می تواند ناشی از عوامل تصادفی باشد. با این وصف نمی توان گفت وضع بهتر شده است، زیرا جمعیت شهری در این فاصله معادل ۱۲/۸ درصد زیاد شده است. اگر در سال ۱۳۷۸ معادل ۷۵ درصد از خانوارهای شهر زیر خط فقر نسبی (با معیار اندازه گیری) بودند، این رقم به معنای آن بود که از ۳۹/۸ میلیون نفر جمعیت شهری آن سال ۲۹/۸۵ میلیون نفر زیر این خط فقر بوده اند. با جمعیت ۴۳/۹ میلیون نفری شهری سال ۱۳۸۲ شمار افراد زیر خط فقر باید به ۳۱/۴ میلیون نفر رسیده باشد، اما با جمعیت ۴۳/۹ میلیون نفری سال ۱۳۸۳، شمار جمعیت زیر خط به ۲۸/۱ می رسد. آیا می توان پذیرفت که افراد فقیر در فاصله ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲، یعنی در چهار سال ۱/۵۵ میلیون نفر افزایش باید و ناگهان در فاصله یک سال ۳/۳ میلیون کم شده باشد. به هر حال در این آمار به شدت نوسانی عوامل تصادفی دخالت داشته اند که همان عوامل زندگی آینده (سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، یعنی سال های برنامه چهارم) را آسیب پذیر می کنند. به هر حال افزایش درآمد نفت، کاهش محدود نرخ تورم و البته در آمارگیری موجب نتیجه غیر سال ۱۳۸۳ بوده است، اما مهم تر بی اعتباری ذاتی نتایج آماری بهبود سطح زندگی است. « (رئیس دانا، ۱۳۸۵) اگر چه بر پایه تناقضی که توسط رئیس دانا مطرح شده به سختی می توان با تکیه بر آمار موجود جمع بندی مشخصی از میزان جمعیت زیر خط فقر (مطلق و نسبی) ارائه کرد، اما خوش بینانه ترین ارزیابی ها حاکی از ثبات جمعیت زیر خط فقر مطلق در مناطق شهری و کاهش محدود آن در مناطق روستایی در سال های برنامه سوم توسعه و در مقابل افزایش خط فقر نسبی و نابرابری در مناطق شهر و روستایی در سال های مذکور می باشد.

۳-۲- مقایسه دهک ها

یکی از روش های شناخت دقیق تر از روند تحولات در زمینه فقر و نابرابری و همچنین اصلاح ارزیابی های مبتنی بر تعیین جمعیت زیر خط فقر بر پایه خط فقر، ارزیابی وضعیت دهک های درآمدی و هزینه ای است. جدول شماره ۸ سهم درآمدی خانوارهای شهری و

سال‌های برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد.
جدول ۹ - شاخص نسبت دهک دهم به دهک اول

سال	کل	شهری	روستایی
۱۳۷۹	۲۰/۰۷	۱۵/۰۹	۲۰/۶۴
۱۳۸۰	۱۹/۴۰	۱۵/۴۴	۱۸/۲۲
۱۳۸۱	۱۹	۱۴/۲	۱۸/۷
۱۳۸۲	۱۵/۷	۱۲/۸۵	۱۵/۲
۱۳۸۳	۱۶/۸	۱۳/۲۵	۱۷/۲۵
میانگین برنامه سوم	۱۸/۲	۱۴/۲	۱۸
میانگین برنامه دوم	۲۰/۰۵	۱۴/۴۹	۲۱/۲۱
میانگین برنامه اول	۲۵/۰۹	۱۸/۷۶	۲۶/۰۴

کشورهای در حال توسعه	فیلیپین	۱۵/۹
	تایلند	۱۱/۶
	پاکستان	۷/۴
	اندونزی	۶/۷
	ایران	۱۶/۸

Source: World Development Indicators, 2004

همچنان‌که ملاحظه می‌شود شاخص مورد بحث در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهایی که فاقد هرگونه منابع نفتی و یا موارد مشابه هستند، بسیار بالاتر است و نشان‌دهنده عمق شکاف فقر و نابرابری در کشورمان می‌باشد.

بررسی نسبت هزینه‌های دو دهک ثروتمندترین به هزینه‌های دو دهک فقیرترین نیز از دیگر شاخص‌های سنجش وضعیت فقر و نابرابری است. جدول شماره ۱۱ وضعیت شاخص یادشده را در سال‌های برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹) نشان می‌دهد.

جدول ۱۱ - شاخص نسبت دو دهک بالا به دو دهک پایین در سال‌های برنامه سوم توسعه

سال	کل	شهری	روستایی
۱۳۷۹	۱۰/۱۳	۸/۲۰	۱۰/۳۱
۱۳۸۰	۹/۹۶	۸/۳۶	۹/۵۰
۱۳۸۱	۹/۵	۷/۹	۹/۵۰
۱۳۸۲	۸/۴۳	۷/۲۳	۸/۲۳
۱۳۸۳	۹	۷/۶۲	۹/۰۱
میانگین برنامه سوم	۹/۴	۷/۸	۹/۳
میانگین برنامه دوم	۱۰/۱۱	۸/۰۲	۱۰/۴۷
میانگین برنامه اول	۱۱/۵۶	۹/۳۹	۱۱/۷۳

همچنان‌که ملاحظه می‌شود بر پایه یافته‌های طرح هزینه - درآمد خانوار نسبت هزینه‌های دو دهک ثروتمندترین به دو دهک فقیرترین کشور از ۱۰/۱۳ در سال ۱۳۷۹ به ۹ در سال ۱۳۸۳ رسیده است. مشابه وضعیت یادشده در مناطق شهری و روستایی نیز ملاحظه می‌شود. علاوه بر این، میانگین شاخص مورد بحث در سه برنامه اول تا سوم توسعه نیز نشان‌دهنده کاهش شکاف در برنامه سوم در مقایسه با دو برنامه پیشین است، اگرچه در مقایسه با بسیاری کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته این شاخص در ایران بسیار بالاتر گزارش شده است. جدول شماره ۱۲ شاخص نسبت دو دهک پر هزینه‌ترین به دو دهک کم‌هزینه‌ترین را در کشورهای منتخب نشان می‌دهد.

بر اساس یافته‌های جدول یادشده شاخص مورد بحث در کشورهای

همچنان‌که ملاحظه می‌شود شاخص نسبت دهک دهم به دهک اول هزینه‌ای در طول سال‌های برنامه هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی کاهش نشان دهد، اگرچه در سال پایانی برنامه سوم به صورت ناگهانی روند کاهنده این شاخص متوقف و میزان آن افزایش یافته است. بر این اساس شاخص یادشده در کل کشور از ۲۰/۶۴ در سال ۱۳۷۹ تا ۱۵/۲ در سال ۱۳۸۲ کاهش و در سال با افزایش بعد مجدد و با افزایش نسبی به ۱۶/۸ رسیده است. دامنه تغییرات یادشده در مناطق روستایی تا حدودی بیشتر از مناطق شهری گزارش شده و در مناطق روستایی از ۲۰/۶۴ در سال ۱۳۸۳ - ۱۳۷۹ به ۱۷/۲۵ در سال رسیده است، در حالی‌که در مناطق شهری از ۱۵/۰۹ در سال ۱۳۷۹ به ۱۳/۲۵ در سال ۱۳۸۳ رسید، به علاوه میانگین شاخص نسبت هزینه دهک اول در برنامه سوم توسعه در مقایسه با دو برنامه پیش از آن نیز کاهش نشان می‌دهد که نشان‌دهنده تعدیل نسبی نابرابری بر پایه شاخص یادشده است.

اما برای آن‌که به شناخت بهتری از وضعیت فقر و نابرابری در ایران دست یابیم وضعیت موجود کشورمان را با برخی دیگر از کشورها مقایسه می‌کنیم. جدول شماره ۱۰ نسبت هزینه دهک بالا به دهک پایین را در دو دسته کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد.

جدول ۱۰ - نسبت هزینه دهک دهم به دهک اول در برخی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

کشورهای توسعه یافته	نام کشور	نسبت هزینه دهک دهم به دهک اول
	چین	۱۴
	انگلستان	۱۰/۳
	سوئیس	۹/۷
	فرانسه	۹
	آلمان	۷/۲
	لهستان	۵/۵
	سوئد	۵/۴

توسعه یافته با اقتصاد آزاد بسیار کمتر از میزان این شاخص در کشورمان می باشد. به علاوه، به جز فیلیپین در دو کشور تایلند و اندونزی نیز شاخص یادشده پایین تر از ایران گزارش شده است.

جدول ۱۲ - نسبت هزینه دو دهک ثروتمندترین به دو دهک فقیرترین در برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

نام کشور	نسبت هزینه دو دهک بالایی به دو دهک پایینی
سوئیس	۵/۸
فرانسه	۵/۶
آلمان	۴/۷
فیلیپین	۹/۷
تایلند	۷/۶
اندونزی	۴/۶
ایران	۹

Source: World Development Indicators ,2004

و ۱۲/۲ درصد و متوسط هزینه های سالانه رسمی و واقعی معادل ۲۵/۶ و ۱۱/۵ درصد گزارش شده است، که به معنای تعادل نسبی هزینه - درآمد در مناطق شهری است، اما در مناطق روستایی شاخص رشد هزینه های اسمی و واقعی بالاتر از درآمد گزارش شده است. در طول سال های برنامه سوم متوسط رشد رسمی و واقعی هزینه ها در مناطق روستایی به ترتیب برابر ۱۹/۱۹ و ۵/۶ و متوسط رشد اسمی و واقعی درآمدها در همین مناطق برابر ۱۹/۳ و ۵/۲ بوده است. در عین حال توجه به این نکته نیز دارای اهمیت است که نرخ رشد واقعی کل هزینه ها در طول سال های برنامه سوم بیش از برنامه دوم بود و در مناطق شهری از ۱/۵ درصد در برنامه دوم به ۱۱/۵ درصد در برنامه سوم و در مناطق روستایی از ۲/۹ درصد در برنامه دوم به ۵/۶ درصد در برنامه سوم رسیده است.

جدول ۱۳ - سهم هزینه های خوراکی - دخانی خانوارهای شهری و روستایی

سال	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
مناطق روستایی	۴۲/۳۲	۴۱/۰۳	۴۱	۳۹/۸	۳۸/۸		
مناطق شهری	۲۸/۲	۲۵/۶	۲۵/۴	۲۶	۲۵/۶		

مأخذ: آمار بودجه خانوار مرکز آمار ایران

بررسی مقایسه سهم درآمدی خانوارهای شهری و روستایی از مواد خوراکی و دخانی نیز نشان می دهد که در طول سال های برنامه سوم توسعه تغییر قابل توجهی در سهم گروه های مختلف درآمدی ایجاد نشده است. (جدول شماره ۱۴)

جدول ۱۴ - مقایسه سهم درآمدی خانوارهای شهری و روستایی از مواد خوراکی و دخانی

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
شهری	سهم ۴۰ درصد فقیرترین	۱۸/۹۵	۲۰/۳۶	۱۸/۶۸
	سهم ۴۰ درصد متوسط	۴۱/۶۳	۴۲/۵۰	۴۲/۴۰
روستایی	سهم ۲۰ درصد پردرآمد	۳۹/۴۲	۳۷/۱۴	۳۸/۲۰
	سهم ۴۰ درصد فقیرترین	۱۶/۵۶	۱۷/۰۰	۱۶/۶۹
مناطق شهری	سهم ۴۰ درصد متوسط	۴۰/۵۰	۴۱/۷۸	۴۱/۴۰
	سهم ۲۰ درصد پردرآمد	۴۲/۹۴	۴۱/۲۳	۴۲/۲۸

مطابق یافته های حاصل از طرح هزینه - درآمد خانوار سهم ۴۰ درصد فقیرتر (دهک اول تا چهارم) خانوارهای شهری از مواد خوراکی - دخانی از ۱۸/۹۵ درصد در سال ۱۳۷۹ پس از افزایش در سال ۱۳۸۰ معادل ۲۰/۳۶ درصد، روند نزولی را طی کرده و در سال ۱۳۸۲ به ۱۸/۶۸ درصد رسیده است. در مقابل در ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد شهری (دهک های نهم و دهم) سهم درآمدی خوراکی و دخانی از ۳۹/۴۲ درصد در سال اول برنامه سوم (۱۳۷۹) پس از کاهش در سال ۱۳۸۲ مجدداً افزایش یافته و به ۴۱/۰۸ درصد رسیده است.

روند موجود در خانوارهای روستایی نیز کمابیش ملاحظه می شود. به طوری که سهم ۴۰ درصد خانوارهای روستایی فقیرتر از مواد خوراکی - دخانی از ۱۶/۵۶ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۱۶/۶۹ درصد در سال ۱۳۸۲

۴-۲-۱- سهم هزینه های خوراکی، دخانی و غیر خوراکی
بر اساس نتایج به دست آمده از طرح هزینه درآمد خانوار سهم هزینه های خوراکی دخانی در طول سال های برنامه سوم توسعه روند رو به کاهش داشته است. (جدول شماره ۱۳)

در سال ۱۳۷۹ در مناطق شهری سهم هزینه های خوراکی - دخانی معادل ۲۸/۲ درصد کل هزینه ها بوده که در سال ۱۳۸۳ به ۲۵/۶ درصد رسیده است. در مقابل سهم این هزینه ها در مناطق روستایی در سال اول برنامه (۱۳۷۹) معادل ۴۲/۳۲ درصد بوده که در سال پایانی برنامه (۱۳۸۳) به ۳۸/۸ درصد رسیده است که این امر می تواند به دو صورت تحلیل شود، اول آنکه خانوارهای شهری و روستایی بدون تغییر رژیم غذایی شان با وجود بهبود تغذیه، قادر شده اند هزینه کمتری را صرف مواد خوراکی - دخانی کنند و در نتیجه هزینه بیشتری را به مصارف غیر خوراکی از جمله آموزش، بهداشت و... اختصاص داده اند، اما تحلیل دوم تصویر متفاوتی ارائه می دهد، به این معنا که خانواده ها به دلیل افزایش سایر هزینه های زندگی از جمله مسکن، آموزش و بهداشت، ناچار شده اند با تقلیل رژیم غذایی و ارزان تر کردن آن، سایر نیازها و الزامات زندگی را تأمین کنند. از دیدگاه تحلیل اول کاهش نسبی سهم هزینه خوراکی - دخانی به منزله کاهش فقر و نابرابری و از دیدگاه تحلیل دوم این امر به معنای زندگی دشوارتر و رنج بیشتر خانوارهای ایرانی و کاهش کیفیت زندگی آنان است. به همین جهت در تحلیل شاخص مورد بحث ناچاریم متوسط نرخ رشد اسمی و واقعی هزینه ها و درآمد را خانوارهای ایرانی را مقایسه کنیم. در طول سال های برنامه سوم توسعه متوسط نرخ رشد اسمی و واقعی درآمد در مناطق شهری به ترتیب برابر ۲۶/۳ درصد

روستا					سال
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۲۷۸۸۳	۲۴۰۴۰	۱۹۰۰۲	۱۵۲۰۰	۱۳۰۴۷	متوسط درآمد سالانه
۳۳۵۴۳	۲۵۶۷۶	۲۱۳۹۴	۱۷۲۳۲	۱۵۶۷۳	متوسط هزینه سالانه
-۵۶۶۰	-۱۶۳۶	-۲۳۹۲	-۲۰۱۹	-۲۶۲۶	فاصله درآمد هزینه

همچنان‌که ملاحظه می‌شود در طول سال‌های اجرای برنامه سوم توسعه به تدریج بر شکاف بین میانگین هزینه‌ها و درآمدها افزوده شده و در سال پایانی برنامه (۱۳۸۳) این شکاف به بالاترین میزان طی سال‌های پس از انقلاب رسیده است. این شکاف در مناطق شهری از ۱۷۸۸ - هزار ریال در سال ۱۳۷۹ به ۴۲۱۱ - هزار ریال در سال ۱۳۸۳ و در مناطق روستایی از ۲۶۲۶ - هزار ریال در سال ۱۳۷۹ به ۵۶۶۰ - هزار ریال در سال ۱۳۸۳ رسید، که این امر به معنای کاهش قدرت خرید عمومی خصوصاً طبقات متوسط و کم درآمد جامعه است، زیرا در این گروه‌های درآمدی فاصله درآمد و هزینه بسیار کم بوده و به همین دلیل نرخ پس انداز در میان آنها بسیار پایین می‌باشد.



مقایسه سهم درآمدی خانوارهای شهر و روستایی از هزینه کل در سال‌های برنامه نیز تصویر خوشایندی از درآمد گروه‌های فقیرتر و روند آن نشان نمی‌دهد. (جدول شماره ۱۵)

بر اساس نتایج بالا در سال ۱۳۷۹ ۴۰ درصد فقیرترین افراد شهری ۱۳/۰۹ از کل درآمد جامعه شهری را به خود اختصاص دادند، در حالی که ۴۰ درصد متوسط در همین سال ۳۵/۸۹ درصد و بالاخره ۲۰ درصد پردرآمدترین افراد (دهک‌های نهم و دهم) ۵۱/۰۲ درصد از کل درآمد جامعه شهری را به خود اختصاص در روستاها نیز ۴۰ درصد فقیرترین تنها ۱۳/۱۴ درصد از کل درآمد روستا را در اختیار داشتند، سپس ۴۰ درصد با درآمد متوسط (دهک‌های پنجم تا هشتم) ۳۷/۸۰ درصد و بالاخره سهم ۲۰ درصد پردرآمد روستایی معادل ۴۹/۰۶ درصد از کل درآمد ارزیابی شده است.

این وضعیت در سال ۱۳۸۲ به سود طبقات متوسط و پردرآمد تغییر کرده و وضعیت نامطلوب‌تری را برای ۴۰ درصد فقیرتر جامعه فراهم آورده است به نحوی که در مناطق شهری سهم چهار دهک فقیرتر جامعه از کل درآمد جامعه شهری به ۱۲/۱ درصد، ۴۰ درصد بعدی، یعنی دهک‌های پنجم تا

رسیده است. در گروه ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد روستایی نیز ثبات نسبی سهم درآمدی خوراکی - دخانی در سال‌های برنامه ملاحظه می‌شود، به طوری که از ۴۲/۹۴ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۴۱/۵۸ درصد در سال ۱۳۸۲ رسیده است. بر این اساس نظریه فقر پایدار در دهک‌های پایینی جامعه و عدم امکان دسترسی به فرصت‌های برابر برای خروج از فقر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در مورد سهم درآمدی خانوارهای شهری و روستایی از مسکن به عنوان یکی از هزینه‌های مهم و تأثیرگذار بر وضعیت فقر خانوارهای ایرانی، شرایط مشابهی در مقایسه با مواد خوراکی - دخانی ملاحظه می‌شود. همچنان‌که در جدول ۱۵ ملاحظه می‌کنید در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ سهم ۴۰ درصد فقیرتر جامعه شهری در فاصله ۱۸/۸۰ درصد تا ۱۸/۷۰ درصد، سهم ۴۰ درصد متوسط خانوارهای شهری (دهک پنجم تا هشتم) در فاصله ۳۹/۲۳ درصد تا ۳۸/۰۸ درصد و سهم ۲۰ درصد پردرآمد خانوارهای شهری در فاصله ۴۱/۹۷ درصد تا ۴۳/۲۲ درصد در نوسان بوده است. در واقع بیشترین تغییر درآمد خانوارهای شهر از مسکن عبارت بوده از افزایش سهم ۲۰ درصد پردرآمد کشور.

جدول ۱۵ - مقایسه سهم درآمدی خانوارهای شهری و روستایی از مسکن

سال		۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲
شهری	سهم ۴۰ درصد فقیرترین	۱۸/۸۰	۱۸/۶۱	۱۷/۸۲	۱۸/۷۰
	سهم ۴۰ درصد متوسط	۳۹/۲۳	۳۸/۳۵	۳۶/۶۷	۳۸/۰۸
	سهم ۲۰ درصد پردرآمد	۴۱/۹۷	۴۳/۰۴	۴۵/۵۱	۴۳/۲۲
روستایی	سهم ۴۰ درصد فقیرترین	۲۱/۱۴	۲۱/۱۹	۲۰/۵۲	۱۹/۵۸
	سهم ۴۰ درصد متوسط	۴۴/۲۰	۴۴/۶۱	۴۳/۷۳	۴۲/۹۳
	سهم ۲۰ درصد پردرآمد	۳۴/۶۶	۳۴/۲۱	۳۵/۷۵	۳۷/۴۹

وضعیت سهم درآمدی خانوارهای روستایی از مسکن نیز در سال‌های برنامه سوم منجر به کاهش سهم ۴۰ درصد فقیر از ۲۱/۱۴ درصد به ۱۹/۵۸ درصد و افزایش سهم ۲۰ درصد پردرآمد از ۳۴/۶۶ درصد به ۳۷/۴۹ درصد شده است. این امر به معنای تشدید نقش هزینه‌های مسکن بر افزایش فقر و نابرابری در خانوارهای روستایی می‌باشد.

۵-۲-۱- هزینه - درآمد

شکاف بین میانگین هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی پدیده‌ای است که طی سال‌های برنامه سوم توسعه مثل برنامه‌های پیشین به قوت خود باقی مانده و همواره میانگین هزینه بیشتر از میانگین درآمد گزارش شده است. (جدول شماره ۱۶)

جدول ۱۶ - متوسط سالانه درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی (هزار ریال)

شهر					سال
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۴۷۲۶۷	۳۹۲۰۲	۲۳۱۰۴	۲۵۸۳۱	۲۲۳۸۷	متوسط درآمد سالانه
۵۱۴۷۸	۴۰۹۸۹	۳۴۹۷۰	۲۸۰۲۰	۲۴۱۷۵	متوسط هزینه سالانه
-۴۲۱۱	-۱۷۸۷	-۱۸۶۶	-۲۱۸۹	-۱۷۸۸	فاصله درآمد هزینه

هشتم به ۳۶/۱۹ و بالاخره ۲۰ درصد پردرآمد به ۵۱/۲۰ درصد رسیده است. در مناطق روستایی نیز تغییرات کمابیش مشابیهی ملاحظه می شود، یعنی در این مناطق سهم ۴۰ درصد فقیرتر به ۱۳/۱۱ درصد تنزل یافته، سهم ۴۰ درصد متوسط با کمتر از یک درصد افزایش به ۳۸/۰۸ درصد و سهم ۲۰ درصد پردرآمد روستایی از کل درآمد جامعه روستایی با کاهش کمتر از یک درصد به ۴۸/۸۵ درصد رسیده است. یافته های یادشده از جمله ساختار غیر قابل منعطف توزیع درآمد و پایداری فقر را در طبقات کم درآمد مورد تأیید قرار می دهد.

۳- جمع بندی و نتیجه گیری

در این مجموعه از مقالات با عنوان "فقر در ایران" تلاش شد تا گزارشی از مجموعه یافته های پژوهش و همچنین ارزیابی های آماری از وضعیت فقر ارائه شود، بر این اساس جمع بندی از گزارش حاضر به قرار ذیل ارائه می شود:

۳-۱- اگرچه در این مجموعه مقالات، به ارزیابی عملکرد دولت پس از اصلاحات و وضعیت دو سال اول برنامه چهارم پرداخته نشد، اما مایلیم تأکید کنیم مجموعه شواهد و قرائین موجود که بخشی از آن در مقاله دیگری ارائه شده نشان می دهد که طی دو سال ۱۳۸۴-۱۳۸۵ روند فقر و نابرابری در ایران تشدید شده و شاخص های وضعیت کلان اقتصادی و همین طور شاخص فقر وضعیت نگران کننده تری را نسبت به گذشته پیش روی مردم ایران قرار داده است. در آینده و در مقاله مستقلی این دوره مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۲- شواهد آماری رسمی نتایج متناقضی را در مورد وضعیت

فقر مطلق در ایران نشان می دهد، اما در عین حال ارزیابی کلان از مجموعه یافته ها نشان می دهد که در خوش بینانه ترین ارزیابی ها، نسبت جمعیت زیر خط فقر مطلق ثابت بوده، اما بر جمعیت زیر خط فقر (به دلیل افزایش جمعیت) افزوده شده است. قبلاً درباره برنامه های اول و دوم توسعه و شواهد آماری وضعیت سخن گفته شد، به نظر می رسد در برنامه سوم بدون تغییر اساسی در فرایند پیشین و یا اصلاح ساختارهای موجود، سرعت روند پیشین تا حدودی کاهش یافته که در سال پایانی برنامه سوم (۱۳۸۳) این وضعیت نیز از کنترل دولت خارج شده و فقر و نابرابری با شدت بیشتری چهره خود را به نمایش گذارده است.

۳-۳- نابرابری در ایران ساختاری پایدار دارد و با وجود برخی تغییرات مثبت و منفی در طول سال های برنامه سوم توسعه، شکاف طبقات گروه های درآمدی عمدتاً میل به ثبات داشته و تغییرات سیاسی دوره اصلاحات نیز اثر قابل توجهی بر این ساختار نداشته است.

۳-۴- سیاست های کلان اقتصادی در سال های برنامه سوم توسعه اگرچه در مقایسه با دو برنامه پیشین بهبود نسبی در برخی شاخص ها را نشان می دهند، اما از آنجاکه برنامه سوم توسعه و دو برنامه پیش از آن سیاست های نسبتاً واحدی در زمینه عدالت، فقر و نابرابری پیروی کرده اند، هرگز نتوانسته اند اصلاح قابل توجه و پایداری در کاهش فقر و نابرابری ایجاد کنند. در این زمینه تورم و بیکاری پایدار و فزاینده اثرات مستقیمی بر تشدید فقر و نابرابری داشته اند.

* Saeid_madani@yahoo.com

اگر خواهان اشتراک نشریه چشم از ایران هستید:

- لطفا برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کنید.
- حق اشتراک یک ساله داخل کشور ۹۰۰۰۰ ریال و خارج از کشور اروپا ۲۷۰۰۰۰ ریال و آمریکا ۳۰۰۰۰۰ ریال می باشد.
- حق اشتراک را به حساب ۱۰۱۲۹۵ بانک ملی شعبه دانشگاه کد ۸۷ به نام لطف الله میثمی و یا به شماره حساب جام ۱۸۳۶۷۹۰۴ بانک ملت شعبه میدان توچید کد ۶۷۵۶/۱ به نام لطف الله میثمی واریز نمایید.
- بریده یا رونوشت برگه تکمیل شده را به همراه اصل رسید بانکی با پست سفارشی یا از طریق فاکس ارسال فرمائید.
- ۲۰٪ تخفیف به دانشجویان (با ارائه کپی کارت دانشجویی) و همچنین طرح امانی رایگان برای کسانی که توانایی خرید نشریه را ندارند (با ارسال نامه) در نظر گرفته شده است.
- از مشترکینی که از توانایی مالی برخوردارند خواهشمندیم ما را از همت عالی خود محروم نفرمایند.

۰۲۱ - ۶۶۹۳۶۵۷۵

تهران - صندوق پستی ۱۳۴۴۵/۸۹۵

فرم درخواست اشتراک

نام و نام خانوادگی: _____

نشانی: _____

تلفن: _____

کدپستی: _____

« قید کدپستی الزامی است. »